

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 5, Summer 2022, 287-308
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.37251.2302

A Critical Review on the Book “*Fundamentals and Theory of Religious Knowledge Management and its Applications*”

Rasoul Ranjbarian*

Zainab Delrobaei**

Abstract

One of the best ways to maintain knowledge and efficiency of knowledge capital is knowledge management. Knowledge management is a management tool and the process of creating value from the invisible assets of the organization. The purpose of this article is to critically review the book "*Fundamentals and Theory of Religious Knowledge Management and its Applications*" by Hassan Ali Nemati Shamsabad. In this article, an attempt was made to critically and unbiasedly critique the book with a descriptive-analytical approach, citing evidence and documents based on the evaluation criteria introduced by the Council for the Review of Humanities Texts and Books. The tool of critique of the worksheet was the critique of the textbooks and academic books of the Council for the Review of Humanities Texts and Books. Criticisms were presented in both form and content. Accordingly, the main strengths of the book are the comprehensiveness of the content, systematic approach, coherent and structured view of the issues, compatibility of the work with Islamic wisdom and modeling in scientific-academic sources according to Islamic sources. One of the shortcomings and points that can be improved in the book is that it has a

* Assistant Professor, Department of Public Administration, Shahindezh Branch, Islamic Azad University, Shahindezh, Iran (Corresponding Author), ranjbarian1404@gmail.com

** PhD Student, Department of Public Administration, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, zdel6766@gmail.com

Date received: 16/03/2022, Date of acceptance: 27/06/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

theoretical rather than practical effect. This article tries to add to the richness of the book's topics by looking critically at the formal and content dimensions of the work and relying on research citations.

Keywords: Management, Knowledge, Science, Culture, Model, Islamic

نقد و بررسی انتقادی کتاب مبانی و نظریه مدیریت دانش دین بنیان و کاربردهای آن

رسول رنجبریان*

زینب دلربائی**

چکیده

یکی از بهترین روش‌ها برای حفظ و بهره‌وری از سرمایه‌های دانشی، مدیریت دانش است. مدیریت دانش، ابزاری مدیریتی و فرایند ایجاد ارزش از دارایی‌های نامرئی سازمان است. هدف این مقاله، نقد و بررسی انتقادی کتاب «مبانی و نظریه مدیریت دانش دین بنیان و کاربردهای آن» اثر حسنعلی نعمتی شمس‌آباد است. در این مقاله تلاش شد با رویکرد توصیفی - تحلیلی، با ذکر شواهد و مستندات و بر مبنای معیارهای ارزیابی معرفی شده از سوی شورای نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی، به نقد منصفانه و بدون سوگیری کتاب مذکور پرداخته شود. ابزار نقد کاربرد نقد کتب درسی و دانشگاهی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی بود. نقدها از دو نظرگاه شکلی و محتوایی ارائه شدند. بر این اساس، نقاط قوت اصلی کتاب جامعیت محتوا، نگرش سیستمی، دیدگاه منسجم و ساختارمند به موضوعات، سازواری اثر با حکمت اسلامی و الگوبرداری در منابع علمی - دانشگاهی با توجه به منابع اسلامی است. از کاستی‌ها و نقاط قابل بهبودی در کتاب این است که اثر رویکرد نظری دارد تا کاربردی. این مقاله با نگاه انتقادی بر ابعاد صوری و

* استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد شاهین‌دژ، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهین‌دژ، ایران (نویسنده مسئول)،
ranjbarian1404@gmail.com

** دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
zdel6766@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

محتوایی اثر و با اتکا به استنادات پژوهشی، سعی نموده تا بر غنای مباحث کتاب اضافه نماید.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، دانش، علم، فرهنگ، الگو، اسلامی.

۱. مقدمه

مدیریت دانش در بیست سال گذشته، به دنبال جایابی خود به‌عنوان یک موضوعی جدید از سازمان و مدیریت بوده و این حرکت با ظهور ایده‌های جدید، کماکان ادامه دارد. جدیدترین بحث‌های حوزه مدیریت دانش این است که نظریه‌های آن به‌جای انجام تحقیق برای تبیین رابطه بین عوامل دانش و مزیت رقابتی، نیاز به سؤالات و روندهای جدید دارد. به همین دلیل، واکاوای مسائل و روندهای جدید در این عرصه، قابل توجه است. در کشور ما مدیریت دانش، حوزه جدیدی است که جنبه نظری آن بر جنبه عملی غلبه دارد (محمدی فاتح و همکاران، ۱۳۹۳: ۵). سازمان‌های پیشرو اقدام به جمع‌آوری دانش نهفته نزد کارکنان و گروه‌های کاری می‌کنند که به آن سرمایه دانش گفته می‌شود؛ امروزه سرمایه‌های واقعی یک سازمان تنها سرمایه مالی و فیزیکی نیست، بلکه سرمایه دانش افراد مهم‌تر از آن دو بوده و بیشتر مورد توجه مدیران قرار می‌گیرد (شوقی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹). اساسی‌ترین مشخصه سازمان‌های هوشمند قرن بیست و یکم، تأکید بر دانش و اطلاعات است. مدیریت دانش می‌تواند چتری برای گستره‌ی راه‌کارهای مورد استفاده جهت اداره دانش نیروی کار سازمان در نظر گرفته شود؛ اخیراً دانش به‌عنوان دارایی اولیه سازمان‌ها فرض می‌شود (خلیل نژاد و همکاران، ۱۳۹۶). سازمان‌های موفق دریافته‌اند که دانش مهم‌ترین دارایی آن‌هاست و برخی اصول اساسی مدیریت دانش در کارکنان و سازمان وجود دارد و آنان به مدیریت دانش به‌عنوان عامل کلیدی موفقیت در سازمان می‌نگرند. به همین دلیل، سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی برای بکارگیری این نوع مدیریت هزینه کرده‌اند. مدیریت دانش متشکل از دامنه‌ای از استراتژی‌ها و رویه‌هاست که در یک سازمان برای رسیدن به اهداف آن با استفاده بهینه از دانش و یا توانایی یک سازمان در استفاده از سرمایه معنوی و دانش دسته‌جمعی به‌منظور دستیابی به اهداف خود از طریق فرایندی شامل تولید دانش، بهره‌گیری دانش و استفاده از آن به کمک فناوری است (رنجیریان و حسن بیگی، ۱۳۹۷).

سازمان‌ها باید برای ایجاد و کنترل دانش دارای سازوکارهایی باشند. در شرایط کنونی یکی از عواملی که سبب دگرگونی چهره اقتصادی، اجتماعی و صنعتی یک کشور می‌شود فعالیت‌های کارآفرینانه برخورداری از روحیه کارآفرینی و در نهایت کارآفرینی انسان است (شوقی و همکاران، ۱۳۹۶). توانایی شرکت‌ها برای رشد و رقابت در دهه آینده به‌طور فزاینده هم به دسترسی و بهره‌گیری از دانش مناسب برای عملیات تجاری و هم عملکرد و مهارت کارکنان دانشی بستگی دارد (فاتح و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

از یک دیدگاه در مورد مؤلفه‌های مدیریت دانش می‌توان موارد زیر را اشاره نمود: ۱. ایجاد و اکتساب دانش؛ ۲. توزیع و یکپارچگی دانش و ۳. ذخیره دانش (دری نوکرانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰). سازمان‌ها بدون داشتن بستر مناسب مدیریت دانش نمی‌توانند بهره‌وری سازمانی داشته باشند، بنابراین در این خصوص باید سیاست‌های اثربخش تدوین گردد. به نظر پیتر دراگر، تنها منبع مزیت رقابتی پایدار در آینده، دانش خواهد بود. دانش، تنها منبعی است که هر چه از آن استفاده بیشتر شود، خود نیز افزایش می‌یابد

در این مقاله به‌طور کلی هدف نقد و بررسی شکلی و محتوایی کتاب *مبانی و نظریه مدیریت دانش دین بنیان و کاربردهای آن* می‌باشد. در نقد شکلی کل کتاب یکجا در نظر گرفته می‌شود و در بررسی محتوایی نیز به هر یک از فصول کتاب به‌طور مجزا می‌پردازیم و در انتها به جمع‌بندی دیدگاه خود از این بررسی پرداخته می‌شود. در این کتاب برای بازسازی مدیریت دانش دین بنیان به‌عنوان یک رشته دانشگاهی، مباحثی مانند مبانی هستی‌شناسی دانش، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی دینی، تبیین شده است. اصول و نظریه‌های مطرح در حکمت اسلامی که امکان استفاده از آن‌ها در زمینه نظریه‌پردازی در قلمرو مدیریت دانش وجود دارد، مورد شناسایی و استفاده قرار گرفته است. از نقاط اصلی کتاب این است که یکی از منابع درسی در رشته مدیریت به‌صورت عام و گرایش مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی به شکل خاص مطرح است. در این نوشتار، تلاش شده تا به روش توصیفی - تحلیلی، حتی‌الامکان با ذکر شواهد و مستندات و بر مبنای معیارهای ارزیابی، به نقد منصفانه و بدون سوگیری کتاب مذکور پرداخته شود.

۲. معرفی اثر و ارزیابی شکلی آن

۱.۲ مشخصات اثر و نویسنده

کتاب مبانی و نظریه مدیریت دانش دین بنیان و کاربردهای آن به قلم دکتر حسنعلی نعمتی شمس‌آباد نوشته شده است. دکتر نعمتی شمس‌آباد فارغ‌التحصیل دکترای مدیریت فن‌آوری اطلاعات گرایش مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی از دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت - گروه مدیریت فن‌آوری اطلاعات دانشگاه تهران بود. کتاب مورد نقد اولین بار توسط نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است. آخرین چاپ اثر در سال ۱۳۹۸ بوده است. نویسنده یکی از جانبازان شیمیایی هشت سال دفاع مقدس بود که پس از سال‌ها تحمل رنج و مشقت به لقاءالله پیوست. ایشان کتاب‌ها و مقالات متعددی در زمینه مدیریت به رشته تحریر درآورده بود.

۲.۲ معرفی ساختار کتاب

نویسنده با یک ساختار خوب در این کتاب، سعی کرده است مطالب کتاب را به خواننده به‌طور جامع و کامل ارائه نماید. در این راستا با ۲ بخش اصلی و ۱۲ فصل به تبیین موضوع پرداخته است. کتاب با مقدمه‌ای از یک نویسنده نام‌آشنای مدیریت کشورمان بنام دکتر سعید تسلیمی و پیشگفتار مؤلف آغاز می‌شود. در ابتدای هر فصل در مورد کلیات آن فصل، هدف کلی و هدف‌های یادگیری به‌صورت کلی توضیح داده شده است.

بخش اول به مبانی نظری مدیریت دانش دین بنیان اختصاص یافته است. این بخش، دارای هشت فصل می‌باشد که در آن به پیشینه و نظریه‌ها و پارادایم‌های مدیریت دانش در علم مدرن و غرب و همچنین مطالعات دینی و اسلامی در این زمینه پرداخته شده است. در ابتدا با مرور سیستماتیک ادبیات مدیریت دانش، مبانی نظری این رشته علمی در وضعیت موجود در تمدن غرب بررسی و نه تنها گزاره‌های محیط بر این رشته مشخص شد؛ بلکه ارتباط این مبانی با پارادایم‌های مستقر در علم مدرن از یکسو و ارتباط بین نظریه‌ها و کاربردهای آن‌ها از سوی دیگر روشن گردیده است. در فصل اول نویسنده مبحثی را با عنوان «علم در قرآن و سنت» پرداخته است و استعمالات ماده علم، مفاهیم تصویری و معارف تصدیقی مربوط به علم در قرآن کریم توسط نویسنده معرفی می‌گردد. در فصل دوم

به «چارچوب فکری نظریه: تفکر مذهبی» پرداخته شده است. در فصل سوم «اصول و مبانی هستی‌شناسی دانش و معرفت‌شناسی دین بنیان» مورد بررسی قرار گرفته است. فصل چهارم، «اصول و مبانی انسان‌شناسی دین بنیان» را شرح می‌دهد. در فصل پنجم به تبیین «اصول و مبانی تمدن و مدیریت دین بنیان» پرداخته شده است. در فصل ششم به «اصول و مبانی اجتماعی، سازمانی دین بنیان» اشاره شده است. فصل هفتم، با عنوان «نظریه مبنای تولید علم» در این فصل، به بررسی کارهای قبلی انجام شده در این زمینه پرداخته است و فصل هشتم تحت عنوان «به‌سوی نظریه مدیریت دانش دین بنیان» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بخش دوم با عنوان نظریه مدیریت دانش دین بنیان و کاربردهای آن، شامل چهار فصل می‌باشد. فصل اول «نظریه مدیریت دانش دین بنیان» را عنوان می‌کند. در فصل دوم با عنوان «تحلیل و بررسی نظریه (با استفاده از معیارها و شاخص‌ها)»، برخی از نظریه‌های زیربنایی بکار رفته به‌صورت اجمالی معرفی می‌شوند. در فصل سوم، «دستاورد های نظری و نتایج عملی نظریه مدیریت دانش دین بنیان» را مورد بررسی قرار می‌دهد و در فصل چهارم، به «جمع‌بندی و نتیجه‌گیری» پرداخته شده است.

۳.۲ ویژگی‌های فنی اثر

کتاب مشتمل بر ۴۶۷ صفحه است. عنوان کتاب بر روی جلد کاملاً مشخص است و طراحی جلد کتاب ساده و تا حدی مرتبط با عنوان و از جذابیت بصری برخوردار است. طرح لامپ با رشته‌های رنگی متقاطع یکدیگر، القا کننده تفکر نقادانه به موضوع مدیریت دانش می‌باشد، که به‌خوبی از عنوان کتاب حمایت می‌کند. صحافی اثر کیفیت خوبی دارد. قطع اثر متناسب با محتوا بوده و برای کتب علمی و دانشگاهی، مناسب ارزیابی می‌شود. کتاب در مجموع به زبانی ساده، شیوا و قابل فهم برای خوانندگان و به‌ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی نگارش شده است.

۴.۲ ویرایش ادبی

این کتاب به علت اینکه رساله دانشگاهی می‌باشد، از متن روان و قابل درکی برخوردار است؛ در این اثر قواعد نگارشی به‌خوبی رعایت شده است. برای نشان دادن ترتیب مطالب و زیرمجموعه، به‌خوبی از سایز قلم مناسب استفاده شده است. این اثر دارای پاورقی می‌باشد و هر جا لازم بوده، توضیحات بیشتر را درج نموده است. نوع و اندازه قلم با توجه به محتوای کتاب که آموزشی است، مناسب به نظر می‌رسد. در این کتاب قواعد و دستور نگارش به‌خوبی رعایت شده است. فاصله بین سطور و نوع قلم در این کتاب مناسب است. صفحه‌آرایی اثر مواردی مانند تنظیمات، شماره صفحه، فاصله کناره کاغذ از کیفیت مناسبی برخوردار است و در این اثر غلط تایپی به چشم نمی‌خورد و قواعد نگارشی و ویرایش به‌خوبی رعایت شده است. از نظر ترتیب فصول و پیوستاری مطالب که در مرور اجمالی نیز به آن اشاره شد، به‌خوبی موضوع کتاب، دنبال می‌شود. کمیت فصول به‌طور کامل از نظر تکمیل مباحث در این اثر دیده می‌شود.

۵.۲ رعایت اصول علمی ارجاع دهی

این اثر دارای ارجاع دهی درون‌متن است و منبع دهی در متن به‌صورت کامل صورت گرفته است. اما انتهای هر فصل کتاب‌شناسی مرتبط با آن فصل ذکر نشده است. معادل‌سازی واژه‌های لاتین به‌درستی انجام شده که می‌توان گفت از نقاط مثبت اثر می‌باشد. از امتیاز دیگر در ارجاع دهی این اثر، ذکر فهرست منابع فارسی، عربی و لاتین هست که کاملاً اصول ارجاع دهی رعایت شده است و همچنین نمایه‌های آیات، روایات، اشخاص و اصطلاحات نیز آمده است.

۳. تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

۱.۳ بررسی ابعاد آموزشی اثر

کتاب با توجه به سرفصل مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته مدیریت تهیه گردیده است. به‌علاوه، به دلیل جامعیت محتوا، جهت

استفاده علاقه‌مندان و محققان نیز پیشنهاد می‌شود. محتوای اثر نسبتاً جدید و قابل تأمل می‌باشد و می‌تواند از زیرمجموعه‌های منابع درسی مبانی مدیریت اسلامی نیز باشد.

در ابتدای هر فصل، مقدمه‌ای آمده که در آن هدف از مطالب آورده شده در آن بخش ارائه شده است. در تمام فصول مثال‌هایی مرتبط با هدف اصلی اثر و بحث موردنظر آورده شده است که این به جنبه کاربردی بودن اثر کمک شایانی کرده است. جداول و نمودارها در این اثر برای درک مفهوم بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. در مورد محتوای اثر ذکر این نکته ضروری است که تعدد و تنوع مطالب کتاب، آن را به اثری حجیم و مطول بدل کرده که می‌تواند خواننده متمرکز بر موضوع را از ادامه مطالعه دلسرد نماید. در ادامه، در اثر حاضر در دو بخش که در بخش اول، هشت فصل و در بخش دوم، چهار فصل از منظر نقاط قوت و نقاط قابل بهبود با رویکرد آموزشی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بخش اول تحت عنوان «مبانی نظری مدیریت دانش دین بنیان» در هشت فصل مطرح و تبیین می‌شود. در این بخش، فصل نخست با عنوان «نگاهی به علم در قرآن و سنت» بعد از مقدمه کوتاه به مفاهیم تصویری علم در قرآن کریم، استعمالات ماده علم در قرآن، معارف تصدیقی و در نهایت علم در سنت و حدیث پرداخته شده است. همان‌گونه که از عنوان فصل بر می‌آید، نویسنده سرفصل‌های مناسبی را برای ورود به بحث انتخاب نموده است. با ورود به مطالب این فصل مشخص می‌شود که اشاره به سرفصل‌های مذکور برای خوانندگان اطلاعات خوبی را منتقل می‌کند و اشاره به آن‌ها در این کتاب به‌جا و مفید به نظر می‌رسد. ارائه محتوای در این فصل متناسب و روزآمد بر اساس منابع ذکر شده کتاب بوده است.

در فصل دوم با عنوان «چارچوب فکری نظریه: تفکر مذهبی (اصول دین)»، مقدمه‌ای برای تفکر مذهبی، سه راه اصلی در تفکر مذهبی (شامل راه اول: ظواهر دینی، راه دوم: حجت عقلی و راه سوم: کشف و شهود، تبیین کرده است. این فصل از کتاب، بر اساس «تفکر مذهبی» یا «تفکر دینی» تدوین شده و مأخذ مواد فکری آن قرآن حکیم است و بر سنت لفظی و عملی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (علیهم‌السلام) تکیه و تأکید دارد. تبیین مسائل و موضوعات علمی قلمرو مدیریت دانش به‌خصوص مبانی نظری آن قابل توجیه و تأمل است و زمینه مناسبی را برای مفهوم‌سازی مدیریت دانش با رویکرد اسلامی (قرآنی، دینی و مذهبی) فراهم می‌آورد.

فصل سوم تحت عنوان «اصول و مبانی هستی‌شناسی دانش و معرفت‌شناسی دین بنیان»، به مفهوم یابی اصطلاح دانش برگرفته از قرآن حکیم و مکتب اهل بیت (ع)، معنای دانش، مسئله شناخت در قرآن کریم، مطالعات معرفت‌شناختی با مبنای دینی، ساختار مباحث در نظام معرفت‌شناسی صدرایی، اصول و مبانی مقدماتی مورد نیاز برای درک معرفت‌شناسی در قرآن، پاسخ نظام معرفت‌شناسی صدرایی به برخی از مسائل اساسی معرفت‌شناختی، ارکان و مبانی دانش در حکمت اسلامی برگرفته از قرآن و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، پرداخته است. در اینجا در مورد مفهوم‌سازی‌هایی درباره دانش توسط مفسر بزرگ قرآن آیت‌الله جوادی آملی با روش تفسیر موضوعی به جزئیات مبانی معرفت‌شناسی حاکم بر مدیریت دانش دینی تبیین و پرداخته شده است. این فصل خیلی حجیم نسبت به سایر فصول کتاب (۱۲۵ صفحه‌ای) تهیه شده است. در عین حال مطالب تخصصی و سطح بسیار بالا از نظر علمی این فصل، برای دانشجویان دوره‌های کارشناسی رشته مدیریت تا حدودی غیرقابل تفهیم خواهد بود. برای بهره‌مندی از مطالب آن باید زمینه‌های قبلی در این حوزه را داشته باشند. مثلاً در صفحه ۸۷ آمده است:

آنچه این دور ثبوت و اثبات را حل می‌کند، گذشته از تفاوت دو مقاوم که در حد خود توان دفع محذور را دارد، این است که مقداری از معرفت‌شناسی بدیهی و غیرقابل بحث است که با آن مقدار، اصل واقعیت، وجود عالم، اصل معرفت، واقع‌نمایی اجمالی آن ثابت می‌شود، سپس درباره مطالب دقیق آن بحث می‌شود و گرنه باید اصل معرفت و واقع‌نمایی آن از اصول موضوعه و پیش‌فرض‌ها باشد که تا زمان اثبات برهانی یقین آور نخواهد بود (نعمتی شمس‌آباد، ۱۳۹۷، ۸۷).

البته در این اثر مطالب ثقیل و سنگین علمی زیادی آمده است که باید به زبان ساده‌تر بیان شود تا خوانندگان بتوانند از این اثر بهره‌مند شوند.

فصل چهارم، «اصول و مبانی انسان‌شناسی دین بنیان» نام‌گذاری شده است. در این فصل عناوین انسان‌شناسی براساس روش تفسیر انسان به انسان، امکان و اهمیت انسان‌شناسی، راه‌های شناخت انسان، روش‌های شناخت انسان، شناخت قرآنی انسان، ماهیت انسان، هویت قرآنی انسان، تبیین ساختارهای وجودی انسان برگرفته از قرآن و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ساختار علمی انسان، عقل نظری: محکقات قوه ادراک، ساختار تمایلات انسان، ساختار توانایی‌های انسان، جمع‌بندی مباحث ساختارهای وجودی

انسان، اوصاف انسان در قرآن و تفاسیر مربوط به متشابهات انسان محکم، انسان به محکمت، متشابهات علمی و عملی، ثمرات تفسیر انسان به انسان و ارائه الگویی از شئون علمی و عملی انسان بیان شده است. یکی از امتیازات مهم در این اثر پرداختن به ارائه الگوی علمی و عملی انسان است. در این فصل با توجه به ارائه مطالب در خصوص شناخت انسان، براساس ساختارهای وجودی انسان و قوای درونی او و تعاملاتی که با بیرون خود دارد، نویسنده الگویی از انسان را ارائه می‌نماید که می‌توان از آن به‌عنوان پایه‌ای برای تبیین کنش‌های سازمانی و اجتماعی انسان، به‌خصوص کنش‌های مورد نظر در مدیریت دانش، استفاده کرد.

در فصل پنجم به تبیین «اصول و مبانی تمدن و مدیریت دین بنیان» پرداخته شده است. در این فصل مفهوم یابی دینی و اسلامی در اصطلاح مدیریت دانش مورد توجه است که می‌تواند زمینه تدوین رشته‌ای با عنوان «مدیریت دانش دینی» را فراهم کند. این فصل با بررسی الفاظ مدیریت و دانش آغاز می‌شود. با استفاده از مبانی علم دینی، کلیه مفاهیم که این دو لفظ قدرت تحمل آن را دارند بر آن‌ها بار می‌شود، پس از اینکه سبد مفاهیم هر یک از الفاظ تکمیل شد، این دو سبد با هم ترکیب می‌شوند و از این طریق اصطلاح مدیریت دانش براساس مبانی مطمع نظر این کتاب، مفهوم‌سازی شده است. یکی از امتیازات مهم فصل حاضر، این است که منبع مفاهیم آن، حقایقی براساس نیازهای بنیادین انسان و جامعه در قرآن کریم و روایات معصومان (علیهم‌السلام) آمده است.

در فصل ششم به «اصول و مبانی اجتماعی، سازمانی دین بنیان» اختصاص دارد. در این فصل به ضرورت توجه ویژه به مبانی سازمانی و اجتماعی در امر مدیریت دانش پرداخته شده است. به‌طوری‌که مدیریت دانش یک امر سازمانی و اجتماعی تلقی شده است و ورود به این امر بدون برخورداری از مبانی سازمانی و اجتماعی معینی ناقص و ناتمام محسوب می‌گردد. در فصول گذشته در حوزه سازمان ادبیات مدیریت دانش در حجم وسیعی مورد تحلیل قرار گرفته است و مدیریت در سطح انتزاع بالاتر از دیدگاه نویسنده نیز دور نمانده است و آن را در سطح سازمانی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و تمدنی مورد توجه قرار داده است.

فصل هفتم، «نظریه مبانی تولید علم» است. در این فصل، به بررسی کارهای قبلی انجام شده در زمینه نظریه منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، چیستی علم و علم دینی در این

نظریه پرداخته است. یکی از نقدهای مهم اثر، در عدم نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف اثر است. به طوری که فصل سوم کتاب با ۱۲۵ صفحه تدوین شده است و این فصل تنها ۳ صفحه را به خود اختصاص داده است. هر چند در این سه صفحه هم مطالب خوبی ارائه شده است اما نتوانسته است فصلی به این مهمی را پوشش دهد.

فصل هشتم با عنوان «به‌سوی نظریه مدیریت دانش دین بنیان» آمده است. اگر چه این فصل تلاش نموده است استعاره‌هایی برای شناخت حقیقت پدیده مدیریت دانش موجود را پیشنهاد نماید و همچنین در ادامه این فصل به بحث پایانی در بخش اول اثر با عنوان «آغازی برای مفهوم‌سازی مدیریت دانش دینی» ارائه شده است؛ ولی باز در مقایسه با سایر فصول این فصل هم در کمتر از ۵ صفحه به اتمام رسیده است و نویسنده می‌توانست فصل‌های هفتم و هشتم کتاب را تلفیق نموده و فصلی با عنوان «بحث پایانی نظریه مدیریت دانش دین بنیان» ارائه می‌کرد.

بخش دوم تحت عنوان «نظریه مدیریت دانش دین بنیان و کاربردهای آن»، در چهار فصل به تبیین موضوع می‌پردازد. نویسنده در فصل نخست از بخش دوم با عنوان «نظریه مدیریت دانش دین بنیان» در یازده زیربخش به تبیین فصل می‌پردازد. به طوری که از ضرورت تدوین یک نظریه مدیریت دانش دین بنیان سخن به میان می‌آورد و ویژگی‌های ضروری برای این نظریه در دوازده بند یاد می‌کند و در ادامه ساختار نظریه مدیریت دانش دین بنیان را با توجه به مبانی دینی به صورت ساختار ساده به تصویر می‌کشد. از نقاط مهم این فصل پرداختن به مباحث کنش انسانی و مدیریتی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و به خوبی نیز تبیین گردیده است. یکی از مباحث قابل تأمل در این فصل تکرار تیتیر با عنوان «مطالب تکمیلی» هم در صفحه ۳۶۸ و هم در صفحه ۳۷۱ کتاب است که ضرورتی برای تکرار تیتیر نبوده است.

فصل دوم به موضوع «تحلیل و بررسی نظریه (با استفاده از معیارها و شاخص‌ها)»، اختصاص یافته است. برخی از نظریه‌های زیربنایی بکار رفته به صورت اجمالی معرفی می‌شوند. یکی از نقاط ضعف این فصل این است که به طور خلاصه این نظریه‌ها تشریح شده است. این فصل با حجم بسیار کم (۵ صفحه‌ای) در مورد تحلیل و بررسی نظریه با دو رویکرد که رویکرد اول به استناد نظر خبرگان حوزه و دانشگاه و رویکرد دوم با ۱۰ معیار و

ویژگی‌های ضروری از منظر نظریه‌های مختلف به صورت تحلیلی و تبیینی مستدل بیان شده است و باید هر کدام از رویکردهای مذکور تشریح و تبیین می‌شدند.

فصل سوم به «دستاوردهای نظری و نتایج عملی نظریه مدیریت دانش دین بنیان» اشاره دارد. این فصل یکی از فصول مهمی است که به نتایج نظری و علمی نظریه یاد شده به تفصیل پرداخته شده و از این جهت از نقاط مثبت کتاب تلقی می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت رشته مدیریت دانش یک نظام منسجم علمی - عملی است که بین مبانی نظری، پارادایم‌ها، نظریه‌ها و عرصه‌های عمل آن ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. نویسنده از اشکالی که در این فصل ارائه نموده است این ارتباطات را نشان داده است.

بخش پایانی کتاب مشتمل بر یک فصل با عنوان «جمع‌بندی و نتیجه‌گیری» است. این فصل با یک صفحه مقدمه آغاز می‌شود و با دو صفحه پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی به اتمام می‌رسد. از نقاط ضعیف این فصل نیز مانند فصل هفتم بخش اول، تنها در سه صفحه تدوین گردیده است. عدم نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف اثر کاملاً محرز و آشکار هست چرا که در برخی فصل‌ها بیش از ۱۰۰ صفحه و در برخی ۳ الی ۵ صفحه تهیه شده است. این عدم انسجام درونی متن برای یک منبع علمی و دانشگاهی مطلوب نیست. محتوای اشاره شده هم کفایت عنوان آن را ندارد و انتظار خوانندگان این است که در فصل جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به این موضوع پرداخته شود درحالی‌که نویسنده فقط به ۳ پیشنهاد اکتفا نموده است.

به‌طور کلی در بخش اول اثر، نویسنده تلاش نموده تا با گذر از مبانی مدیریت دانش موجود، براساس مبانی فلسفه اسلامی و اصول تمدن دینی، در جستجوی مبانی جدیدی برای مدیریت دانش متناسب با نگرش دینی و چارچوب تفکر مذهبی باشد. اصول تمدن دینی، مبانی هستی‌شناسی دانش، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی هماهنگ با قرآن و عترت به تفصیل بیان شده است تا زمینه استخراج مبانی نزدیک و متناسب با رشته مدیریت دانش فراهم آید. در این بخش نویسنده در صدد است ساختار موضوعی مدیریت دانش براساس مبانی دینی استوار گردد. در بخش دوم نظریه‌های مدیریت دانش دین بنیان را به صورت کاربردی معرفی می‌شود. با توجه به اینکه مبانی فلسفی و همچنین بسیاری از نیازهای جامعه دینی (اسلامی) با آنچه در غرب وجود دارد، متفاوت است و نمی‌توان همه مسائل و نظریه‌های موجود در قلمرو مطالعات مدیریت دانش را بدون دقت نظر پذیرفت، بنابراین،

نیاز است تا یک نظریه مدیریت دانش براساس مبانی معرفتی برگرفته از قرآن کریم و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و بر پایه نیازهای تمدن دینی و دیگر عوامل مؤثر تدوین شود که در بخش دوم اثر، به این مهم پرداخته شد.

۲.۳ مسئله مندی کتاب و پاسخ به نیازهای علمی و کاربردی کشور

اثر با مرور سیستماتیک ادبیات مدیریت دانش، مبانی نظری این رشته علمی در وضعیت موجود در تمدن غرب بررسی شده و نه تنها گزاره‌های محیط بر این رشته مشخص شده بلکه ارتباط این مبانی فلسفی با پارادایم‌های مستقر در علم مدرن نیز مشخص گردیده است. انگاره از یک طرف ارتباط بین این مبانی پارادایمی و نظریه‌های مدیریت دانش تبیین شده و از طرف دیگر ربط بین نظریه‌ها و کاربرهایشان روشن گردیده است و بر این اساس چارچوبی چندلایه پدید آمد که ارتباط بین مبانی نظری، نظریه‌ها و کاربردهای مدیریت دانش را نشان می‌دهد.

با استفاده از این چارچوب و بر اساس معیارهای علم دینی مستخرج از رویکرد انتقادی-رنالیستی حکمت صدرایی، با نقد مبانی مدیریت دانش موجود در تمدن غرب، زمینه برای جایگزینی مبانی نظری حکمت اسلامی فراهم شد تا به بازخوانی این رشته از دیدگاهی جدید اقدام شود. باید در نظر داشت که مبانی مدیریت دانش در علم غرب متمایز از مبانی آن در مطالعات دینی و اسلامی می‌باشد. هدف این کتاب، طرح و تبیین مبانی اسلامی مدیریت دانش علاوه بر مبانی فلسفی غربی است.

۳.۳ ارزیابی نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف اثر

این اثر در دو بخش و دوازده فصل تنظیم شده است. مطالب کلی اثر دارای انسجام و مرتبط با یکدیگر بوده و ترتیب و توالی منطقی بین آن‌ها حاکم است و در ابتدای هر فصل هدف کلی بیان شده است. در خصوص نظم منطقی در درون هر فصل، در هر فصل اهدافی مطرح شده است و با مثال‌های مختلف از دنیای واقعیت سعی بر تفهیم مطالب شده است. که این از نکات مثبت اثر می‌باشد. اما نکته قابل تأمل آن است که انتهای فصل‌ها جمع‌بندی و یا نتیجه‌گیری وجود ندارد.

۴.۳ میزان استحکام تحلیل‌ها و تبیین‌های ارائه‌شده در اثر

در عصر زایش و جهش دانش و در دوران انفجار نظریه‌های علمی و پردازش مدل‌ها و ایده‌های گوناگون، بی‌تردید آنچه که می‌تواند نهاد علم را «نافع» و نافذ گرداند، بها دادن به «اندیشه بنیانی» و در «عرصه عمل» مستقر نمودن آن است (نعمتی شمس‌آبادی، ۱۳۹۷). به علت اینکه سرفصل کتاب در فصول مختلف تا حدود زیادی همدیگر را حمایت و پشتیبانی می‌کنند، از این نظر از انسجام و نقشه راه بسیار خوبی برخوردار می‌باشد. مدیریت دانش دین بنیان یکی از موضوعات مهم علمی و درعین حال کاربردی است. اثر حاضر در سویه علمی - آموزشی بسیار موفق‌تر از سویه کاربردی عمل کرده است. این نکته نیز مهم است که اشاره شود خواننده یا به تعبیر بهتر دانشجویان پس از مطالعه کتاب حاضر، با مجموعه موضوعات مطرح در زمینه مدیریت دانش دین بنیان آشنایی نظری جامعی کسب خواهند کرد؛ اما چنانچه بخواهد آموزه‌های خود را در سازمان به منصفه عمل در آورد با مباحث متفاوتی روبه‌رو خواهد شد که او را مجبور به مطالعه و کسب اطلاعات بیشتر از کتب کاربردی‌تر در این زمینه خواهد کرد.

۵.۳ دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی برای واژه‌ها

نویسنده در تمام اثر اصطلاحات و کلمات تخصصی را به‌صورت واضح بیان کرده است و اصطلاحات مهم و کاربردی با توضیحات بیشتر به‌صورت پاورقی آمده است که به نظر می‌رسد این کار به‌خوبی انجام شده است. قابل ذکر است در این اثر از فهرست اصطلاحات (Glossary)، آیات، روایات، اشخاص در پیدا کردن سریع‌تر و دقیق‌تر معنای واژگان تخصصی استفاده شده است و این مورد می‌تواند به‌عنوان یک نقطه مثبت این اثر تلقی شود.

۶.۳ میزان رعایت اصول و اخلاق علمی

در خصوص میزان رعایت اخلاق علمی این نکته بسیار مهم قابل ذکر است که منبع دهی علمی درون‌متنی رعایت شده، ولی در انتهای هر فصل کتاب‌شناسی نیامده است. نقطه مثبت اثر در پایان هر جمله یا عبارت منبع آن نیز قید گردیده است. به‌عنوان نمونه: پیامبر اسلام

(ص) می‌فرمایند: «چهار چیز است که هر هوشمند و خردمندی از امت من باید به آن‌ها ملزم باشد، شنیدن علم، حفظ کردن آن، نشر آن و عمل کردن به آن (تحف العقول، ۱۳۷۶: ۹۵).

۷.۳ هماهنگی - سازواری اثر با ارزش‌های ایرانی و اسلامی

محتوای علمی کتاب نه تنها منافاتی با مبانی و اصول دینی ندارد، بلکه قدم مهمی در زمینه مطالعات دینی و اسلامی می‌باشد. علم از مفاهیم تصویری و تصدیقی تشکیل شده است، در این بخش ابتدا مفردات و مفاهیم تصویری که در قرآن کریم درباره علم به کار رفته، واکاوی شده، سپس گزاره‌ها و مبانی تصدیقی که در این موضوع آمده بیان شده است.

نتیجه پژوهشی مقیمی و همکاران در سال ۱۳۸۶، انجام داد:

«مؤثرترین طریق خروج از معضلات کنونی محیط‌های صنعتی و اداری کشورمان ایران تمسک به ریسمان معنویت و فرهنگ اسلامی می‌باشد» (رنجریان، ۱۳۹۶: ۲۲۶).

به نظر می‌رسد در زمینه ارتباط بین فرهنگ ایرانی - اسلامی با مدیریت دانش دین بنیان، پژوهشی به‌طور مستقیم انجام نشده بود و این اثر در نوع خودش اثر بی‌بدیل است. از نقاط مثبت دیگر این اثر این است که در تمام فصول در مدیریت دانش از دیدگاه اسلام با استنادات مختلف بهره جسته است و مدل‌های ارائه شده در فصل سوم از بخش دوم، در مورد نظریه‌های مدیریت دانش دین بنیان به این مورد صحنه می‌گذارد.

۸.۳ نقد و تحلیل میزان نوآوری و روزآمدی اثر

با توجه به اینکه بسیاری از کتاب‌های مدیریت دانش از منابع لاتین به‌روز و جدید، گرفته شده است، این اثر به‌نوبه خود یک اثر روزآمد بوده و از نوآوری برخوردار است. به‌طوری‌که تاکنون منبعی که با همین مضمون که بتواند مدیریت دانش را از نگاه اسلامی و دینی بررسی بکند، دیده نمی‌شود. یکی از ویژگی‌های اقتصاددانشی، تغییر دائمی موقعیت‌ها و شرایط است. بنابراین، سازمان‌ها باید پیوسته دانش خود را غنی کرده، دانش جدید ایجاد نمایند و این دانش را در فرآیندها، تولیدات و خدمات شان به کار ببرند. برای این‌که سازمان‌ها بتوانند در اقتصاددانشی موفق باشند، نوآوری مستمر و پیوسته به‌عنوان یک عامل

حیاتی محسوب می‌شود و اثربخشی فرآیند ایجاد دانش، سطح نوآوری را تعیین می‌کند (مقیمی و رمضان، ۱۳۹۰: ۲۱). از منظر خلاقیت و نوآوری، این اثر به نظریه مدیریت دانش دین بنیان پرداخته و از مبانی و نظریه‌های حکمت اسلامی تغذیه نموده و به ارائه، نقد و بررسی انتقادی از متون مربوط به موضوع در تمدن غرب با رویکرد رئالیستی پرداخته است.

۹.۳ استفاده از منابع معتبر و داده‌های روزآمد

نویسنده در این اثر از منابع اصیل و معتبری در تدوین آن، استفاده کرده است. این موضوع از نقطه قوت کتاب محسوب می‌شود که از منابع غنی اسلام شامل، قرآن کریم، روایات ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و منابع دست اول محققان علوم اسلامی بهره برده است. البته به جزء چند منبع انگلیسی که مربوط به پیش از سال ۲۰۰۰ میلادی بوده، ولی بقیه منابع لاتین به روز و جدید هستند. منابع فارسی نیز جدید و روزآمد بوده و مطالب و داده‌های ارائه شده از منابع مستند و قابل اتکا ارائه گردیده است.

۴. نقد و تحلیل روش‌شناختی

در این پژوهش به منظور بررسی ابعاد مختلف کتاب مبانی و نظریه مدیریت دانش دین بنیان و کاربردهای آن بر اساس الگوی مرسوم مقالات انتقادی، تجزیه و تحلیل، بررسی و توجیه مستدل نظریه‌ها پرداخته شده است. لذا برای نقد از روش کاوشگری فلسفی انتقادی استفاده شد و مبانی روش‌شناختی در این پژوهش متناسب با مبانی فلسفی برگرفته شده از قرآن کریم و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌باشد. ابزار نقد کاربرگ نقد کتب درسی و دانشگاهی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی بود. با رویکرد توصیفی-تحلیلی، با ذکر شواهد و مستندات و بر مبنای معیارهای ارزیابی معرفی شده از سوی شورای نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی، به نقد منصفانه و بدون سوگیری کتاب مذکور پرداخته شد. نقدها از دو منظر شکلی و محتوایی در بندهای ۲ و ۳ این مقاله ارائه شدند. بر این اساس، نقاط قوت اصلی کتاب جامعیت محتوا، نگرش سیستمی، دیدگاه منسجم و ساختارمند به موضوعات، سازواری اثر با حکمت اسلامی و الگوبرداری در منابع علمی - دانشگاهی با توجه به منابع اسلامی است. قابل ذکر است در بند ۳ به تحلیل و ارزیابی

محتوایی اثر پرداخته شد و تحلیل مربوط به محتوای کتاب نیز در تیتراژ ۱-۳ به‌طور کامل برای همه فصول در زمینه ابعاد آموزشی، تبیین و تشریح گردید.

۵. ارزیابی نهایی اثر

علاوه بر تأملاتی که درباره محتوای کتاب در بند ۳ مقاله ارائه شد، نکاتی نیز درباره ابعاد محتوایی، فنی و ویرایشی کتاب وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان در این محورها برشمرد:

۱.۵ ضرورت متمایز ساختن عناوین فرعی و فرعی‌تر

در فصل‌های این کتاب عناوین اصلی و عناوین فرعی (زیر فصل‌ها) هم‌تراز بوده و به‌وسیله اعداد جدا شده است و این امکان را برای خوانندگان می‌دهد تا تشخیص عناوین اصلی و فرعی راحت‌تر و قابل ملموس‌تر باشد.

۲.۵ ضرورت ارائه یک الگوی مشخص برای کتاب

نویسنده در همه فصول به‌صراحت به نحوه‌ی استفاده از یک الگوی مشخص استفاده می‌کند که از آن به‌عنوان «رویکرد تبیین با روش انتقادی» یاد می‌برد. به‌طوری‌که در این روش از رئالیسم حکمت‌صدرایی استفاده می‌کند و این نظریه به‌گونه‌ای تدوین می‌شود که توانایی بررسی انتقادی دیگر نظریات مدیریت دانش را داشته باشد. لذا این نظریه قدرت انتقاد از سایر نظریات برخوردار است و حتی توان انتقاد از خود را داشته و می‌تواند خود را با شرایط جدید وفق دهد و خود را بازسازی نماید.

۳.۵ ضرورت کاربرد اثر در برنامه‌های آموزشی

این اثر به‌عنوان یک منبع درسی مدیریت دانش برای دانشجویان رشته مدیریت فناوری اطلاعات در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری می‌تواند، مدنظر باشد. البته علاقه‌مندان به زمینه پژوهشی در حوزه مدیریت دانش با الگوی اسلامی نیز می‌توانند بهره‌لازم را از این

اثر داشته باشند. همچنین این اثر قابلیت بهره‌برداری از نتایج تحقیق در اسلامی سازی در حوزه مدیریت دانش و تأسیس رشته مدیریت دانش اسلامی وجود دارد.

۴.۵ ضرورت و ارائه بخش محتوایی در اثر

این اثر نقدهای اصلی در مورد نظریه‌های مدیریت دانش از نگاه غرب‌گرایان و رویکرد اسلامی را به تصویر می‌کشد. به طوری که برای ایجاد نظریه جدید، اولویت با استفاده از نظریه‌های اصیل مستقر در حکمت اسلامی بوده است. استفاده از دیگر نظریه‌هایی که با مبانی حکمت اسلامی سازگار هستند، نیز در این اثر استفاده می‌کند. برای نمونه، از آنجاکه هر نظریه مدیریت دانش به یک نظریه‌سازمانی یا اجتماعی مبنا نیاز دارد، در نظریه مدیریت دانش دین بنیان، اولویت با نظریه‌سازمانی و اجتماعی است که بر اساس مبانی حکمت اسلامی ایجاد می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله کتاب مبانی و نظریه مدیریت دانش دین بنیان و کاربردهای آن مورد نقد و بررسی شکلی و محتوایی قرار گرفت. از آنجاکه این کتاب، منبع معتبری برای آموزش در دوره‌های تحصیلات تکمیلی است، برای نقد و بررسی انتخاب شد. نقد و تحلیل‌های یاد شده نشان می‌دهد که آنچه به عنوان نظریه مدیریت دانش دین بنیان در این اثر مطرح شده است، زمینه و ظرفیت تبدیل شدن به یک نظریه جامع در قلمرو مدیریت دانش را دارد. بی‌شک آنچه در این فرصت کوتاه ارائه شده است، خالی از عیب و نقص نیست، اما با مکانیزم به‌روزرسانی که در این نظریه تعبیه شده، امید اصلاح بهبود آن وجود دارد.

دانش عامل روشنایی و نوری است که در تاریکی‌ها راه راست را نشان می‌دهد و می‌تواند بر انگیزه‌ها اثر گذاشته و اراده‌ها را به سوی حق حرکت دهد، در اینجا ملاک حق است و نفع شخصی به معنای سود بیشتر برای خود جایگاهی ندارد. نتیجه اینکه دانش یک عنصر کلیدی در حیات فردی و اجتماعی بشر است و مدیریت آن در تمدن دینی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. نقطه قوت این اثر، می‌تواند آغازی بر انجام رسالت بزرگ در قلمرو مطالعات مدیریت دانش بوده و ارائه نظریه مدیریت دانش دین بنیان، سرآغازی با برکت

برای دینی شدن رشته مدیریت دانش باشد. این کتاب نقاط قوت متعدد و درعین حال (از نظر ناقد) کاستی‌هایی دارد. هدف مقاله بر شمردن این نقاط قوت و اشاره به نقاط قابل بهبود، برای مرتفع شدن آن‌ها در چاپ‌های بعدی کتاب بود.

از مهم‌ترین نقاط قوت کتاب، جامعیت منحصربه‌فرد آن است. چرا که تاکنون در مورد مدیریت دانش دین بنیان، چنین منبعی عرضه نشده است. به‌علاوه، نظم و انسجام فکری نگارنده و دیدگاه سیستمی او در پیوند دادن موضوعات به یکدیگر، در سطح کلان، ستودنی است. از دیگر نقاط قوت اثر که در کمتر منبع درسی مشاهده می‌شود، توجه به ارزش‌ها، اصول دینی، اسلامی و تقریر پیوند آن‌ها با موضوعات کتاب است. درعین حال، کاستی‌ها و نقاط قابل بهبودی در کتاب وجود دارد. کتاب رویکرد نظری دارد تا کاربردی. هر چند نویسنده محترم تلاش نموده فصل‌هایی را در کتاب به کاربردی بودن موضوع تأکید نماید و باز رنگ و بوی نظری در اثر دیده می‌شود. شاید به‌عنوان یک کتاب آموزشی در مقطع کارشناسی، رویکرد صرفاً نظری به موضوعات، چندان مشکل‌آفرین نباشد. اما در مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته مدیریت که دانش‌آموختگان آن اکثراً وارد بازار کار شده و آموخته‌های خود را در عمل استفاده می‌کنند، رویکرد عملی و کاربردی قطعاً مورد نیاز آنان خواهد بود. کاستی دیگر کتاب که از نقاط قابل بهبود اصلی آن قلمداد می‌شود، عدم نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف اثر می‌باشد. به‌طوری‌که چندین فصل در قالب ۳ الی ۵ صفحه‌ای در مقابل فصولی با ۱۲۵ صفحه‌ای در ارائه مطالب کتاب دیده می‌شود.

نظر به آنچه پیش‌تر تحت عنوان کاستی یا نقاط قابل بهبود کتاب عنوان شد، برای ارتقای این کتاب ارزشمند که در زمینه مدیریت دانش اثر مرجع و موثقی است، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود. امید است این نکات در تجدید چاپ کتاب اثربخش باشند. پیشنهادها در دو عنوان شکلی و محتوایی ارائه می‌شود.

۷. پیشنهادهای کاربردی

۱.۷ پیشنهادهای دارای قالب شکلی

- رعایت شیوه منبع دهی در پایان فصول
- رعایت شیوه منبع دهی در جداول و اشکال و نمودارها در فصول کتاب

۲.۷ پیشنهادهای دارای قالب محتوایی

- تأکید بر رویکرد عملی و کاربردی مباحث با توجه به عنوان یاد شده کتاب.
- ادغام و حذف برخی فصول با حجم بسیار کم (۳ صفحه‌ای) و ارائه فصل‌هایی با محتوای کامل به منظور ایجاد نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف اثر.

کتاب‌نامه

- ابن شعبه حرّانی، (۱۳۷۶). *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و سلم*، ترجمه: محمد صادق حسن زاده، قم.
- استادی، رسول و تولایی، روح‌الله (۱۴۰۰). «نقد کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن به روش اسنادی»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۲۱. ش ۳. ۲۹-۵۰.
- خلیل نژاد، شهرام و نکوئی زاده، مریم و گل محمدی، عماد (۱۳۹۶)، «رابطه مدیریت دانش با قابلیت نوآوری با توجه به نقش تعدیل‌گر جهت‌گیری استراتژیک، مجله پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی»، دوره ۷، شماره ۲.
- شوقی، بهزاد و زمانی مقدم، افسانه و جعفری، پریش (۱۳۹۶)، «تأثیر مدیریت دانش بر خرد سازمانی با توجه به نقش میانجی هوش هیجانی (مورد مطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران)، مجله ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۱.
- دری نوکرانی، بهروز و کسائی، مسعود و فرخی زاده، فرشید (۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیل مدیریت دانش و نوآوری فرآیند بر توسعه محصول جدید (مورد مطالعه - شرکت‌های کوچک و متوسط شهرک شمس‌آباد تهران)»، فصلنامه مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی، سال ۲، شماره ۳.
- رنجبریان، رسول (۱۳۹۶)، طراحی مدلی برای پرورش دل‌بستگی کارکنان در بخش دولتی ایران، رساله دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، استاد راهنما: دکتر نسرين جزینی.
- رنجبریان، رسول و حسن بیگی، مهدی (۱۳۹۷). رابطه بین مدیریت دانش و چابک‌سازی سازمانی: با تأکید بر نقش میانجی‌گری متغیر ارتباطات سازمانی»، مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱۴ تیرماه، دانشگاه تهران.
- رنگریز، حسن و صبوری نیا، میرزاعلی (۱۴۰۰). «بررسی و نقد کتاب نقدی بر دانش مدیریت»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۲۱. ش ۳. ۱۵۱-۱۷۲.
- محمدی فاتح، اصغر، شرفی نژاد، نورالدین و دهبان، اسماعیل (۱۳۹۳)، *روندهای جدید در مدیریت دانش سازمانی*، تهران: انتشارات نیاز دانش، چاپ اول.

۳۰۸ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۵، مرداد ۱۴۰۱

نعمتی شمس‌آبادی، حسنعلی (۱۳۹۷). مبانی و نظریه مدیریت دانش دین بنیان و کاربردهای آن، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.